



دانشگاه شهید بهشتی
دانشکده ادبیات و علوم انسانی
گروه جامعه‌شناسی

اد
۱۰۹

پایان‌نامه کارشناسی ارشد

عنوان:

بررسی عوامل مؤثر بر میزان پایبندی دینی جوانان
(دانش‌آموزان و دانشجویان شهر تهران)

استاد راهنما: پروفسور فرامرز رفیع‌پور

استاد مشاور: دکتر اکبر مجدالدین

دانشجو: جلیل یاری

خلاصه:

دین از قدیمی‌ترین نهادهای اجتماعی است و تمام جوامع در طول تاریخ، دارای دین بوده‌اند. با صنعتی شدن جوامع، و ظهور اندیشه‌های غیر دینی، دین و باورهای دینی تنها قلمرو خاصی را در کنار مفاهیم دنیوی تشکیل دادند. حضور پررنگ نهاد دین در ساختار جامعه ایران، در دوره معاصر، با وقوع انقلاب اسلامی در سال ۵۷، خود را به گونه‌ای ملموس‌تر نشان داد. اوج تجلی دینداری و مشارکت دینی مردم، در طول سال‌های جنگ و مشارکت جوانان در جبهه‌های نبرد و ایثار و جانبازی آنان بود. اما، بعد از پایان جنگ، این هشدار نیز، که دین و ارزش‌های دینی در بین جوانان، با هجمه فرهنگی و نفوذ باورهای غیردینی، در حال رنگ باختن است به گوش رسید.

در این تحقیق، سعی شده است با دیدی جامع‌نگر و با استفاده از چارچوب نظری، عوامل جمعیتی، اجتماعی، اقتصادی و سیاسی را که باعث تغییرات در پایبندی دینی می‌شود، بررسی و مورد مطالعه قرار گیرند.

نتایج توصیفی داده‌ها مبین آن است که میزان پایبندی دینی در بین جوانان در حد بالایی می‌باشد (۷/۶۴ از ۱۰).

در تبیین علت پایبندی دینی افراد، نتایج تحلیل این تحقیق نشان می‌دهد که:

- داشتن والدین مذهبی، بیشترین تأثیر را بر میزان پایبندی دینی افراد دارد ($B=0/367$).
- رضایت سیاسی، دومین متغیری است که بر پایبندی دینی افراد تأثیر مثبت دارد ($B=0/286$).
- در مورد پاسخگویان پسر، ورود به دانشگاه باعث کاهش پایبندی دینی می‌شود ($B=-0/254$) ولی چنین نتیجه‌ای در مورد پاسخگویان دختر صادق نیست.

- همچنین با افزایش سن پاسخگویان، میزان پایبندی دینی آنان کمتر می‌شود ($B=-0/167$). لازم به ذکر است که با توجه به دامنه کم متغیر سن، این نتیجه تنها در مورد همین دامنه (سنین جوانی) قابل تعمیم می‌باشد، و ممکن است در سنین بالا نتایج دیگری داشته باشد.

مهمترین نتیجه‌ای که از تحلیل مسیر متغیرهای مؤثر بر پایبندی دینی حاصل شد، این است که:

- متغیر تماشای ماهواره به واسطه کاهش رضایت سیاسی، باعث کمتر شدن پایبندی دینی افراد می‌شود.
- تحصیل در مدارس مذهبی، تحصیل در دانشگاه، درآمد ماهانه خانواده، و منزلت شغلی پدر به صورت غیرمستقیم بر میزان پایبندی دینی افراد تأثیر دارند.

به طور کلی می‌توان نتیجه گرفت که در این تحقیق، عوامل جمعیتی (جنسیت، سن)، عوامل اجتماعی (داشتن پدر و مادر مذهبی، تماشای ماهواره، تحصیل در مدارس مذهبی، و تحصیل در دانشگاه)، عوامل اقتصادی (درآمد ماهانه خانواده، رتبه منزلت شغلی پدر) و عوامل سیاسی (رضایت سیاسی) بطور مستقیم و غیرمستقیم با میزان پایبندی دینی افراد رابطه معنی‌دار دارد. به عبارتی دیگر، نظریه‌هایی که در این باب ذکر شده بودند، توسط این تحقیق تأیید شدند.

فهرست مطالب

صفحه

پیشگفتار.....	۱
فصل اول	
۱. مقدمه.....	۲
فصل دوم	
۲. ادبیات موضوع و چارچوب نظری.....	۴
۲-۱. ادبیات موضوع.....	۴
۲-۱-۱. جامعه‌شناسی دین.....	۴
۲-۱-۲. تعریف دین.....	۶
۲-۱-۳. تعریف پایبندی.....	۷
۲-۱-۴. کارکردهای دین.....	۷
۲-۱-۵. ابعاد دین.....	۸
۲-۱-۶. مروری بر تحقیقات قبلی.....	۹
۲-۲. چارچوب تئوریک.....	۱۱
۲-۲-۱. سکولاریزاسیون.....	۱۱
۲-۲-۲. عوامل جمعیتی و دین.....	۱۲
۲-۲-۲-۱. جنسیت.....	۱۲
۲-۲-۲-۲. سن.....	۱۴
۲-۲-۳. عوامل اجتماعی و دین.....	۱۴
۲-۲-۳-۱. خانواده.....	۱۵
۲-۲-۳-۲. مدرسه.....	۱۵
۲-۲-۳-۳. دانشگاه.....	۱۶
۲-۲-۳-۴. رسانه‌ها.....	۱۶
۲-۲-۴. عوامل اقتصادی و دین.....	۱۷
۲-۲-۵. عوامل سیاسی و دین.....	۱۸
۲-۳. فرضیه‌های تحقیق.....	۲۰
۲-۴. مدل تحقیق.....	۲۰

فصل سوم

۲۲	۳. روش تحقیق.....
۲۲	۳-۱. معرفی و نحوه سنجش متغیرها.....
۲۲	۳-۱-۱. متغیر وابسته.....
۲۲	۳-۱-۲. متغیرهای مستقل.....
۲۲	۳-۱-۲-۱. «جنسیت»، «سن»، و «تحصیلات».....
۲۳	۳-۱-۲-۲. داشتن والدین مذهبی.....
۲۳	۳-۱-۲-۳. تماشای ماهواره.....
۲۳	۳-۱-۲-۴. مدرسه مذهبی.....
۲۳	۳-۱-۲-۵. ورود به دانشگاه.....
۲۳	۳-۱-۲-۶. شاخص اجتماعی اقتصادی خانواده.....
۲۳	۳-۱-۲-۷. رضایت سیاسی.....
۲۳	۳-۲. جمع‌آوری و استخراج داده‌ها.....
۲۴	۳-۳. توصیف نمونه‌گیری.....
۲۵	۳-۴. اعتبار و پایایی.....
۲۵	۳-۴-۱. اعتبار.....
۲۷	۳-۴-۲. پایایی.....

فصل چهارم

۲۸	۴. یافته‌های تحقیق.....
۲۸	۴-۱. یافته‌های توصیفی.....
۲۸	۴-۱-۱. متغیر وابسته.....
۲۸	۴-۱-۱-۱. پایبندی به باورهای دینی.....
۲۸	۴-۱-۱-۲. پایبندی به اعمال دینی.....
۲۸	۴-۱-۱-۳. پایبندی دینی.....
۳۰	۴-۱-۲. متغیرهای مستقل.....
۳۰	۴-۱-۲-۱. متغیرهای جمعیتی.....
۳۰	۴-۱-۲-۱-۱. جنسیت.....
۳۰	۴-۱-۲-۱-۲. سن.....

- ۳۰.....تحصیلات. ۴-۱-۲-۱-۳
- ۳۰.....متغیرهای اجتماعی. ۴-۱-۲-۲
- ۳۰.....داشتن والدین مذهبی. ۴-۱-۲-۲-۱
- ۳۰.....تماشای ماهواره. ۴-۱-۲-۲-۲
- ۳۱.....مدرسه مذهبی. ۴-۱-۲-۲-۳
- ۳۱.....دانشگاه. ۴-۱-۲-۲-۴
- ۳۱.....متغیرهای اقتصادی. ۴-۱-۲-۳
- ۳۱.....شغل پدر. ۴-۱-۲-۳-۱
- ۳۳.....تحصیلات پدر. ۴-۱-۲-۳-۲
- ۳۳.....درآمد ماهانه خانواده. ۴-۱-۲-۳-۳
- ۳۴.....شاخص اجتماعی اقتصادی خانواده. ۴-۱-۲-۳-۴
- ۳۵.....متغیرهای سیاسی. ۴-۱-۲-۴
- ۳۵.....رضایت از روحانیت. ۴-۱-۲-۴-۱
- ۳۵.....پذیرش روحانیت. ۴-۱-۲-۴-۲
- ۳۵.....رضایت سیاسی. ۴-۱-۲-۴-۳
- ۳۶.....تحلیل دو متغیره. ۴-۲
- ۳۶.....رابطه متغیرهای جمعیتی با میزان پایبندی دینی. ۴-۲-۱
- ۳۶.....جنسیت. ۴-۲-۱-۱
- ۳۷.....سن. ۴-۲-۱-۲
- ۳۸.....تحصیلات. ۴-۲-۱-۳
- ۳۹.....رابطه متغیرهای اجتماعی با میزان پایبندی دینی. ۴-۲-۲
- ۳۹.....مذهبی بودن والدین. ۴-۲-۲-۱
- ۳۹.....تماشای ماهواره. ۴-۲-۲-۲
- ۳۹.....مدرسه مذهبی. ۴-۲-۲-۳
- ۴۰.....دانشگاه. ۴-۲-۲-۴
- ۴۰.....رابطه متغیرهای اقتصادی با میزان پایبندی دینی. ۴-۲-۳
- ۴۰.....شغل پدر. ۴-۲-۳-۱
- ۴۰.....تحصیلات پدر. ۴-۲-۳-۲
- ۴۰.....درآمد ماهانه خانواده. ۴-۲-۳-۳

- ۴-۳-۴-۴. شاخص اجتماعی اقتصادی خانواده..... ۴۱
- ۴-۲-۴. رابطه متغیرهای سیاسی با میزان پایبندی دینی..... ۴۳
- ۴-۲-۴-۱. رضایت سیاسی..... ۴۳
- ۴-۲-۵. جمع‌بندی یافته‌های تحلیل دو متغیره..... ۴۳
- ۴-۳. تحلیل چندمتغیره..... ۴۴
- ۴-۴. تحلیل مسیر..... ۴۸

فصل پنجم

۵. نتیجه‌گیری..... ۵۱

پیوست

- منابع فارسی..... ۵۳
- منابع انگلیسی..... ۵۶

فهرست جدولها

صفحه

- جدول (۳-۱) طبقات نمونه‌گیری خوشه‌ای..... ۲۹
- جدول (۳-۲) مقایسه بارهای عاملی چرخش یافته و چرخش نیافته..... ۲۶
- جدول (۳-۳) آماره‌های مربوط به پایایی شاخص پابندی دینی..... ۲۷
- جدول (۴-۱) آماره‌های توصیفی متغیرهای تحقیق..... ۳۵
- جدول (۴-۲) آماره‌های مربوط به متغیر مذهبی بودن والدین..... ۳۰
- جدول (۴-۳) طبقه‌بندی شغل پدر پاسخگویان..... ۳۲
- جدول (۴-۴) آماره‌های توصیفی متغیر تحصیلات پدر..... ۳۳
- جدول (۴-۵) ضرایب استاندارد و غیر استاندارد رگرسیون خطی و رگرسیون غیر خطی پابندی دینی و سن..... ۳۸
- جدول (۴-۶) ضرایب رگرسیون خطی و رگرسیون غیر خطی پابندی دینی و تحصیلات..... ۳۹
- جدول (۴-۷) ضرایب رگرسیون خطی و رگرسیون غیر خطی پابندی دینی و درآمد ماهانه خانواده..... ۴۱
- جدول (۴-۸) ضرایب رگرسیون خطی و رگرسیون غیر خطی پابندی دینی و شاخص اجتماعی اقتصادی خانواده..... ۴۲
- جدول (۴-۹) ضرایب همبستگی بین متغیرهای مستقل و میزان پابندی دینی..... ۴۳
- جدول (۴-۱۰) ضرایب استاندارد رگرسیون میزان پابندی دینی..... ۴۷
- جدول (۴-۱۱) اثرات مستقیم و غیرمستقیم متغیرهای مقدم بر روی متغیر پابندی دینی..... ۴۸

فهرست نمودارها

صفحه

- نمودار (۲-۱) مدل تحقیق..... ۲۱
- نمودار (۴-۱) درصد تماشای ماهواره..... ۳۱
- نمودار (۴-۲) فراوانی تجمعی درآمد ماهانه خانواده پاسخگویان..... ۳۴
- نمودار (۴-۳) توزیع فراوانی شاخص اجتماعی اقتصادی خانواده پاسخگویان..... ۳۴
- نمودار (۴-۴) توزیع درصد رضایت سیاسی پاسخگویان..... ۳۵
- نمودار (۴-۵) میانگین معرف‌های شاخص پابندی دینی به تفکیک جنسیت..... ۳۶
- نمودار (۴-۶) توزیع پراکندگی پابندی دینی در رابطه با سن و خط رگرسیون خطی و غیرخطی..... ۳۷
- نمودار (۴-۷) توزیع پراکندگی پابندی دینی در رابطه با تحصیلات و خط رگرسیون خطی و غیرخطی..... ۳۸
- نمودار (۴-۸) توزیع پراکندگی پابندی دینی در رابطه با درآمد ماهانه خانواده و خط رگرسیون خطی و غیرخطی..... ۴۰
- نمودار (۴-۹) توزیع پراکندگی پابندی دینی در رابطه با شاخص اجتماعی اقتصادی خانواده و خط رگرسیون خطی و غیرخطی..... ۴۲
- نمودار (۴-۱۰) نمودار مسیر..... ۴۹
- نمودار (۵-۱) توزیع پراکندگی افراد برحسب پابندی نسبت به باورها و اعمال دینی..... ۵۱

پیشگفتار

مقصد بهانه‌ای است

رفتن رسیدن است

این تحقیق، ثمره الطاف بی‌شائبه بزرگوارانی است که با علم، حلم، و مهر خود دستم را گرفتند و پایم را از بند جهل آزاد کردند، عقل‌ام را جرأت اندیشیدن دادند و دلم را شور رفتن.

بی‌کرانه‌ترین سپاس‌ها تقدیم آنان باد.

فصل اول

۱. مقدمه

دین از قدیمی‌ترین نهادهای اجتماعی است و تمام جوامع در طول تاریخ، دارای دین بوده‌اند (گلاک و استارک، ۱۳۷۲: ۲۲). در جوامع پیشین اندیشه‌ها و باورهای دینی کم و بیش سراسر جهان‌بینی و نظام ارزشی بشر را می‌ساخت و هر اندیشه و ایده‌ای با نگاهی دینی مورد ارزیابی قرار می‌گرفت، ولی با صنعتی شدن جوامع، و ظهور اندیشه‌های غیر دینی، دین و باورهای دینی تنها قلمرو خاصی را در کنار مفاهیم دنیوی تشکیل دادند (همیلتون، ۱۳۸۱: ۲).

دین و دینداری، دغدغه ذهنی و مشغله عینی کسانی است که در یک جامعه دین‌مدار زندگی می‌کنند؛ آنان با دین و تربیت دینی بزرگ می‌شوند، و ذهنیت دینی پیدا می‌کنند، هر چند که ممکن است با دین نیز توافقی نداشته باشند. اما شاگرد رشته جامعه‌شناسی، که در یک جامعه دین‌محور نیز زندگی می‌کند، علاوه بر دغدغه‌های ذهنی آمیخته با دین، و تلاشهایی که برای رازگشایی و افسون‌زدایی از ایده‌های پرابهام و هاله‌گون فرازمینی می‌کند، به خاطر نقش حرفه‌ای‌اش دین را به گونه‌ای متفاوت از دیگران نگاه می‌کند. او به دین به مثابه یک پدیده (phenomenon) و یک مسأله (problem) می‌نگرد.

در بیان مسأله تحقیق حاضر باید گفت که تحولات سیاسی و اقتصادی سال‌های اخیر مرتبط با حوزه دینی بوده است. حضور پررنگ نهاد دین در ساختار جامعه ایران، در دوره معاصر، با وقوع انقلاب اسلامی در سال ۵۷، خود را به گونه‌ای ملموس‌تر نشان داد. اوج تجلی دینداری و مشارکت دینی مردم، در طول سال‌های جنگ و مشارکت جوانان در جبهه‌های نبرد و ایثار و جانبازی آنان بود. اما، بعد از پایان جنگ، این نگرانی در بین مسئولان سیاسی و فرهنگی کشور به وجود آمد که نکند با اتمام جنگ و کم‌شدن احساسات و شور دینی دوره جنگ، افراد جامعه - بالاخص نسل جوان که ذهنیتی روشن از انقلاب و جنگ و آرمان‌های دینی ندارند - از ارزش‌های دینی فاصله گرفته، به طرف ارزش‌های مادی و دنیوی گرایش پیدا کنند. این نگرانی در حدی بود که بحث «تهاجم فرهنگی» از طرف مسئولین رده‌بالای نظام مطرح گردید؛ و این هشدار نیز، که دین و ارزش‌های دینی در بین جوانان، با هجمه فرهنگی و نفوذ باورهای غیردینی، در حال رنگ باختن است به گوش رسید.

این مباحث به همراه مشاهده رفتارهای متفاوت با گذشته، در بین افراد جامعه (مخصوصاً افراد جوان و نوجوان) باعث کنجکاوی ذهن و تلاش برای یافتن علل چنین تغییراتی می‌شود؛ و نگارنده بر این مبنای، به بررسی میزان پایداری دینی افراد جوان و مطالعه علل احتمالی تغییرات در میزان دینداری در بین نسل جوان می‌پردازد.

حال اگر نفس موضوع دین و تقید به دین به صورت ذهنی یک دل‌مشغولی فردی باشد، نقشی که نهاد دین در جامعه ایفا می‌کند، اهمیت مسئله را برای جامعه‌شناسان دوچندان کرده است. اهمیت تحقیق در حوزه جامعه‌شناسی دین از آنجا ناشی می‌شود که انسان‌ها با پذیرش و درونی‌کردن باورهای دینی، دست به کنش‌هایی می‌زنند که در صورت عدم پذیرش دین، امکان وقوع آن کنش‌ها بسیار ناچیز است. دین و باورهای دینی، جهان‌بینی افراد را تعیین می‌کنند و در واقع انسان‌ها با عینکی به جهان نگاه می‌کنند که رنگ آنرا به میزان زیادی دین تعیین می‌کند. از سوی دیگر، بقا و استمرار جوامع با انسجام و همبستگی بین اجزاء جامعه - که در شرایط معمولی برای استمرار و بقای جامعه مفید و لازم است - رابطه دارد، و انسجام نیز، به نوبه خود تابعی از میزان توافق بر روی ارزش‌های اجتماعی (و دینی) است. حال، اگر در یک جامعه، ارزش‌های متفاوتی حاکم باشد، و این تفاوت از حد تنوع بیشتر شده و تبدیل به ابهام و یا تضاد گردد، آن جامعه دچار آنومی می‌شود و در نهایت بنیان هستی جامعه و افراد آن به خطر خواهد افتاد.

هدف این تحقیق

- بررسی و توصیف میزان پایبندی دینی افراد جامعه (با تأکید بر جوانان) و
- تبیین و توضیح تفاوت‌های دینداری در بین آنانست.

به همین منظور لازم است که از تجربیات گذشته و مطالعات پیشین دربارۀ دین و نیز نظریه‌هایی که جامعه‌شناسان دربارۀ علل ازدیاد و یا کاهش پایبندی دینی افراد بیان کرده‌اند، استفاده شود. در این تحقیق، سعی شده است با دیدی جامع‌نگر، عواملی را که باعث تغییرات در پایبندی دینی می‌شود، بررسی و مورد مطالعه قرار گیرند:

در فصول بعدی، به ترتیب، ابتدا به ادبیات موضوع و چارچوب نظری و نظریه‌های مرتبط با حوزه دینداری پرداخته می‌شود، سپس در فصل روش تحقیق، نحوه سنجش متغیرهای تحقیق بازگو می‌شود؛ و در فصل چهارم، یافته‌های تحقیق به صورت توصیفی و تحلیلی بیان می‌گردد، و در نهایت در فصل آخر، نتیجه تحقیق به صورت اجمالی آورده می‌شود.

فصل دوم

۲. ادبیات موضوع و چارچوب نظری

۲-۱. ادبیات موضوع

۲-۲. چارچوب نظری

۲-۳. فرضیه‌های تحقیق

۲-۴. مدل تحقیق

۲-۱. ادبیات موضوع

۲-۱-۱. جامعه‌شناسی دین

دغدغه دین و دل‌مشغولی‌های مرتبط با دین همیشه بوده و شاید بتوان گفت که تا ابد هم خواهد بود؛ و این مسئله به جهت طبیعت انسانی است. انسان‌ها توانایی‌های ذهنی زیادی دارند که آنان را قادر می‌سازد تا سازگار شوند و ادامه حیات دهند، این توانایی‌ها باعث می‌شوند که انسان‌ها تقریباً در مورد هر چیزی تشویش داشته باشند، درباره آنان بیندیشند، در مورد مرگ تأمل نمایند، گذشته را به یاد آورند، همدیگر را دوست بدارند، و آینده نامعلوم را پیش‌بینی کنند. احساسات و دلوپسی‌هایی که به وسیله این دلمشغولی‌های قوی تولید می‌شوند، همان چیزهایی هستند که انسان‌ها را به ایجاد دین و پابندی به دین به مثابه روشی برای مقابله با تأمل و تشویش شناختی عنان‌گسیخته رهنمون می‌شود (Turner, 1994: 162).

بنیانگذاران رشته جامعه‌شناسی، همه دغدغه دین داشتند. اگوست کنت، پدر جامعه‌شناسی، خود را پیامبر دین جدیدی که خود مدعی آن بود، می‌دانست. رویکردهای جامعه‌شناختی دین، بیش از همه از اندیشه‌های سه متفکر "کلاسیک"، یعنی مارکس، دورکیم و وبر تأثیر پذیرفته‌اند (گیدنز، ۱۳۷۹: ۵۲۵). مارکس، به مخالفت با دین افیونی که توده‌ها را به فلاکت می‌کشاند، می‌پرداخت. جامعه‌شناسی دین در رأس اندیشه‌های دورکیم واقع شده بود (کرایب، ۱۳۸۲: ۱۳۴)؛ و ماکس وبر دین را عامل آغازین فرآیند تاریخی در نظر می‌گرفت (تامپسون، ۱۳۸۱: ۳۴).

قضاوت در مورد دین، و داوری درباره نقش دین در جامعه، منجر به تشکیل نحله‌های فکری مختلف در بین جامعه‌شناسان شده است.

کارکردگرایان معتقدند تأکید بر دین مؤید این نکته است که دین نیازهای اساسی معین افراد و جامعه را برطرف می‌سازد. یکی از این نیازها، نیاز به کاهش دلوپسی و اضطراب است، و اگر مردم قادر به استمداد از نیروها و موجودات خاصی باشند، این استمداد برای کمک کردن است. دیگری تقویت هنجارها و ارزش‌های

مهم است، برای مثال اگر یک نیروی فوق طبیعی بگوید که این یا آن رفتار درست است، و به افراد بگوید که اطاعت کنند آنان به احتمال زیاد آن دستورات را انجام خواهند داد، و بنابراین انسجام جامعه حفظ خواهد شد. اما همانطور که کارل مارکس بحث می‌کند، دین می‌تواند یک وسیله سرکوب نیز بشود. نخبگان از آن استفاده می‌کنند تا توده‌ها را با این فکر مشغول سازند که آنچه هست خواست خدا(یان) بوده، و آنان را با وعده چیزهای بهتر پس از مرگ، آرام کنند. عبارت مشهور مارکس - دین افیون (opium) توده‌هاست - اشاره به همین بحث دارد، اگر دین دارای کارکرد است، این کارکرد برای چه کسانی است؟ چه کسی سود می‌برد؟ جواب مارکس: هنجارهای کسانی که از امتیاز طبقاتی بهره می‌برند به وسیله دین تقویت می‌شود؛ و رنج و تشویش محرومان است که به وسیله دین تسکین می‌یابد. بنابراین، از دید مارکس دین، تضاد بنیادین منافع را بین کسانی که دارای منابع هستند و کسانی که دارا نیستند پنهان می‌کند؛ و بنابراین نابرابری‌های موجود را مشروعیت می‌بخشد، آنان را صحیح جلوه می‌دهد و منافع واقعی مردم را پنهان می‌سازد (Turner, 1994: 162).

در بین جامعه‌شناسان دین، بر سر روش بررسی پدیده دین نیز توافق کلی وجود ندارد. یک رویکرد، پهنه بررسی جامعه‌شناسی دین را محدود به توصیف و تفسیر همدلانه نظام‌های اعتقادی می‌داند و نه تعمیم‌های علی (الیاده، ۱۹۶۹؛ تاولر، ۱۹۷۴؛ به نقل از همیلتون، ۱۳۸۱: ۷). رهیافت دیگری هم در بین جامعه‌شناسان وجود دارد که تحلیل جامعه‌شناختی دین را بر مبنای این فرض امکان‌پذیر می‌داند که دین نیز مانند صورت‌های دیگر رفتار اجتماعی و فردی بشر یک پدیده انسانی است و می‌توان آن را مانند پدیده‌های دیگر انسانی با روش‌های خاص علوم اجتماعی مورد بررسی قرار داد. این نوع جامعه‌شناسی تنها با این قضیه سر و کار دارد که باورهای دینی چیستند و تحت چه شرایطی پدید می‌آیند (همان: ۱۹-۹). به عبارتی دیگر، جامعه‌شناس تنها به توصیف و تبیین دین و ارزش‌های دینی می‌پردازد، و در مقام جامعه‌شناس، در مورد ارزش‌ها، ارزش‌ها، و خوب و بد، و درستی و نادرستی آنان قضاوت نمی‌کند. یعنی، در مورد اینکه آیا ارزش‌های دینی و باورها و مناسک دینی درست هستند یا غلط، واقعیت هستند یا توهم، داوری نمی‌کند.

دین یک پدیده اجتماعی است. این جمله، یک قضیه جامعه‌شناختی است، و از دید افرادی که جامعه‌شناس نیستند، می‌تواند مورد تشکیک قرار گیرد (و همینطور هم شده!) اما، جامعه‌شناس، حرفه‌اش بررسی پدیده‌های اجتماعی است، و وظیفه اصلی جامعه‌شناس دین، تبیین دین (وجود باورها و اعمال دینی) در جامعه بشری است (همیلتون، ۱۳۸۱: ۳-۲). در این رساله نیز به تبیین پایبندی دینی افراد (و نه خود دین) پرداخته می‌شود. با وصف این، بررسی مسئله دین، و مطالعه دین در جامعه ایران، با محدودیت‌ها و قید و بندهایی نیز مواجه است.

- مطالعه پدیده پیچیده‌ای همچون دین به دانش و تخصصی فراتر از حیطه جامعه‌شناسی نیازمند است. جامعه‌شناس دین باید یک دین‌پژوه هم باشد، و همچنین از تحولات تاریخی نیز آگاهی و اطلاع کافی و وافی داشته باشد.

- مسئله مهم‌تر اینکه مطالعه و پژوهش در امر دین، در طول تاریخ بر عهده کسانی بوده که خود را عالم دین می‌دانستند؛ ولی امروز گسترش علوم جدید و دخالت (!) آنان در قلمروهای مختلف، باعث جبهه‌گیری‌های صاحبان قدیمی این حوزه‌ها می‌شود.
 - سومین محدودیت مربوط می‌شود به حساسیت‌هایی که از طرف افراد و گروه‌های مختلف جامعه در برابر مطالعات جامعه‌شناسی دینی وجود دارد.
- این محدودیت‌ها جامعه‌شناس را در امکان بررسی پدیده‌های دینی، انتخاب شیوه‌های تحقیق، و نیز انتشار نتایج مطالعات و بررسی‌های علمی در تنگنا قرار می‌دهد (م.ش. رفیع‌پور، ۱۳۷۶: ۳۰۵).

۲-۱-۲. تعریف دین

دورکیم می‌گوید دین صرفاً یک نظام عقاید نیست. دین قبل از هر چیز نظامی از نیروهاست. انسانی که زندگی دینی دارد، قبل از هر چیز کسی است که در خود قدرتی را احساس می‌کند که به‌طور معمول فاقد آن است و وقتی که در حالت دینی نیست، احساسش نمی‌کند (دورکیم، ۱۳۸۳: ۲۰۳).

مسئله تعریف دین، نقش مهمی در توسعه کلی جامعه‌شناسی دین داشته است (Parsons, 1944)؛ به نقل از (Turner, 1991: 242). در طول تاریخ، اندیشمندان مختلفی سعی بر تعیین صفات و تشخیص ابعاد دین داشته‌اند و تعاریف متعددی را در این زمینه ارائه کرده‌اند، که هر یک از این تعاریف، بعدی از این پدیده غامض را آشکار می‌کند، و در عین حال ابعادی را نیز نادیده می‌گیرد. جرج زیمل معتقد است که تاکنون هیچ کس قادر نبوده است تعریفی از دین ارائه دهد که بدون ابهام و در عین حال دارای جامعیت کافی باشد (گلاک و استارک، ۱۳۷۲: ۲۲). ماکس وبر در جمله آغازین رساله کلی بزرگش درباره جامعه‌شناسی دین، از ارائه تعریفی از دین خودداری می‌کند. به نظر وبر، این کار را باید در پایان بررسی‌ها انجام داد (همیلتون، ۱۳۸۱، ۲۰).

علی‌رغم نظر وبر، بررسی و مطالعه تحلیلی یک پدیده اجتماعی مستلزم تعریفی، هر چند مختصر و ابتدایی است تا پایه‌ای برای ترسیم ابعاد و شاخه‌های آن و تبیین علل وجودی و ساختاری آن پدیده باشد.

تعریف دورکیم از دین، هر چند که با مخالفت‌ها و انتقاداتی نیز مواجه شده است، یکی از بهترین تعاریفی است که کلیت جامعی از دین را توصیف می‌نماید. شیوه او چنان بود که می‌خواست تعریفش از دین، همه مظاهر دینی بشر را، با تمامی تنوع آن، در برگیرد (گلاک و استارک، ۱۳۷۲: ۲۲). او معتقد است که دین،

نظام هماهنگی از باورها و اعمال مرتبط با اشیاء مقدس است، اشیائی که مجزا و منعشده هستند؛

این باورها و اعمال همه کسانی را که به آنان عمل می‌کنند در یک اجتماع معنوی موسوم به

عبادتگاه همبسته می‌کند (دورکیم، ۱۳۸۲: ۶۱).

تعریف دورکیم به خاطر اشاره به اینکه دین پیروانش را در یک اجتماع واحد اخلاقی وحدت می‌بخشد، در برگیرنده عنصری کارکردی است (همیلتون، ۱۳۸۱، ۳۰). او دین را ترکیبی از «باورها» و «اعمال» فرض می‌کند و در این تحقیق نیز بر همین دو بعد (پایبندی به این دو بعد دین) تأکید می‌شود.

۳-۱-۲. تعریف پایبندی

پایبندی (commitment) یکی از ارکان اصلی اخلاق در جامعه است؛ و به همین دلیل است که این مفهوم، عضویت محوری در تمام نظریه‌های اخلاق دارد (چلبی، ۱۳۷۶: ۷۵).

رزابت کانتز (Rosabeth Kanter Moss) معتقد است که پایبندی در سه سطح مختلف اتفاق می‌افتد:

۱. پایبندی ابزاری (instrumental commitment): منظور آن است که افراد باید متقاعد شوند که تداوم رابطه با گروه یا سازمان ارزش صرف زمان و تلاش بیشتر را دارد.

۲. پایبندی عاطفی (affective commitment): این نوع پایبندی اشاره به وابستگی احساسی نسبت به گروه دارد.

۳. پایبندی اخلاقی (moral commitment): اشاره به پایبندی نسبت به هنجارها و ارزش‌های گروه و نیز نظام معنایی دین دارد (Roberts, 1995: 116-120).

در این مطالعه تعریف سوم پایبندی مورد نظر است. این نوع پایبندی، در واقع یک نوع پایبندی ارزشی (چلبی، ۱۳۷۵، ۷۱) و یا پایبندی درونی می‌باشد؛ که بیانگر التزام و تعهد نسبت به اعمالی است که بدون ترس و بیم از دیگران و تنها بر اساس ارزش‌های اخلاقی درونی به صورت داوطلبانه و از روی احساس تکلیف انجام می‌شود (امیرکافی، ۱۳۸۰: ۷-۲۶).

۴-۱-۲. کارکردهای دین

اهمیت مطالعه دین و بررسی میزان پایبندی دینی افراد جامعه، به خاطر نقش و کارکردی است که دین در زندگی شخصی افراد و نیز در کل جامعه بر عهده دارد. در سطح خرد و فردی، باید گفت که دین به گرایش افراد شکل می‌دهد (Brooks, 2002, 193) و در سطح کلان نیز دین یکی از ارکان اساسی جامعه به شمار می‌رود و کارکرد آن در کارکرد کل جامعه بسیار مؤثر است (رفیع‌پور، ۱۳۷۶: ۳۰۵).

کارکردگرایان اساساً بر این باورند که یک نهاد اجتماعی را باید برحسب نقشی که در بقای یک جامعه یا یکپارچگی و همبستگی آن بازی می‌کند، بازشناخت. آنان معتقدند که دین برای نظم و ثبات اجتماعی و حفظ انسجام آن ضروری است (همیلتون، ۱۳۸۱: ۸-۱۸۴). تلقی کارکردگرایان از دین بر این اساس استوار است که دین اصلی‌ترین نهاد کنترل اجتماعی در روابط اجتماعی است (Turner, 1991: 109). بررسی‌های جامعه‌شناختی نشان داده است که در شرایط برابر، افراد دیندار، نسبت به افرادی که دیندار نیستند، احتمال کمتری دارد که دست به اعمال انحرافی بزنند (Stark and Bainbrigde, 1996:1-7).

هاری آلپرت (Harry Alpert) پژوهشگر دورکیمی، چهار کارکرد عمده دین را از نظر دورکیم به عنوان نیروهای اجتماعی انضباط‌بخش، انسجام‌بخش، حیات‌بخش، و خوشبختی‌بخش طبقه‌بندی کرده است (کوزر، ۱۳۶۸: ۲۰۰). پیتر برگر نیز کارکردهای دین را در سه مقوله تقسیم‌بندی کرده است:

۱- جلوگیری از بی‌هنجاری

۲- جلوگیری از "از خودبیگانگی"

۳- مشروعیت بخشی (آزاد ارمکی و غیاثوند، ۱۳۸۱: ۳-۱۲۲).

جامعه‌شناسان دین، دین را، از یک نظر، به عنوان نوعی سیمان اجتماعی (social cement) که بین افراد مختلف پیوند و انسجام ایجاد می‌کند، تصویر کرده‌اند (Turner, 1991: 109). پارسونز معتقد است انسجام اجتماعی زمانی در حد مطلوبی است که بین نقش‌های نهادینه شده و سوگیری کنش‌گران فردی پیوستگی وجود داشته باشد (عظیمی‌هاشمی، ۱۳۸۰: ۴۴). به عبارت دیگر، از نظر جامعه‌شناسان کارکردگرا، اگر افراد، در یک جامعه دیندار، به نقش‌هایی که از آنان انتظار می‌رود (پایبندی به دین) عمل نکنند، و سوگیری‌هایی مخالف با باورهای دینی داشته باشند، انسجام اجتماعی در آن جامعه کمتر خواهد شد. اما دین و پایبندی دینی در هر شرایطی منجر به انسجام و هم‌شکلی (conformity) افراد با جامعه نمی‌شود. استارک (Stark, 1996) می‌گوید دین تنها در شرایطی می‌تواند باعث هم‌شکلی شود که توسط تعامل (interaction) افراد تداوم پیدا کند و اکثریت، آنرا به عنوان اساس معتبری برای کنش قبول داشته باشند. یعنی در صورتی که هم اکثریت افراد جامعه معتقد به دین باشند و هم امکان تعامل و ارتباط بین افراد وجود داشته باشد، آنان در حضور هم، و به خاطر همدیگر، و ترس از تنبیه‌های گروه و دریافت تشویق‌های دیگران، به دین و ارزش‌های دینی پایبند می‌شوند، و آنان را درونی می‌سازند.

۵-۱-۲. ابعاد دین

ترسیم ابعاد دین نیز، همچون تعریف دین، بنا به رهیافت‌های مختلف اندیشمندان، از تعدد و تکثر قابل توجهی برخوردار است (م.ش. میرسندسی، ۱۳۸۳: ۵۵-۴۶). در یک تقسیم‌بندی ویژه از دین، گلاک و استارک (Glock and Stark) دین را متشکل از ۵ بعد اساسی می‌دانند:

۱- بعد اعتقادی یا باورهای دینی (beliefs)

۲- بعد اعمال دینی (practices)

۳- بعد تجربی دین (experiences)

۴- بعد دانش دینی (religious knowledge)

۵- بعد پی‌آمدی (consequences) (طالبان، ۱۳۸۰: ۱۱).

اما، از آنجا که، در میان جامعه‌شناسان، بر روی معانی و فضای مفهومی هر یک از این ابعاد، اجماع کافی وجود ندارد، و عملیاتی کردن و معرف سازی آنان بسیار مبهم و همراه با حرف و حدیث بسیار است، در اینجا به همان تعریف حداقلی و جامع دورکیم و ابعاد آن، اکتفا می‌شود و فقط دو بعد نخست دین (باورها و اعمال) لحاظ می‌گردد.

۶-۱-۲. مروری بر تحقیقات قبلی

بیشتر تحقیقات داخلی که در حوزه دینداری جوانان صورت پذیرفته، نتایج تقریباً مشابهی را نشان می‌دهند. اکثر این تحقیقات با چارچوب‌های نظری مشابه کار کرده‌اند و با اندکی تفاوت (به خاطر تفاوت در نوع جامعه آماری و تفاوت در نوع شاخص‌هایی که برای سنجش دینداری استفاده کرده‌اند و نیز خطاهای تصادفی و ساختاری در اندازه‌گیری) به نتایج تقریباً یکسانی دست یافته‌اند. چند مورد از این تحقیقات، که در سال‌های اخیر صورت گرفته‌اند، در زیر آورده می‌شود:

۱- سنجش پابندی دینی دانشجویان

جامعه آماری: دانشجویان دانشگاه آزاد واحد تهران شمال

نمونه آماری: ۴۵۰ نفر

سال: ۱۳۷۵

نتایج: محقق پابندی دینی را با ۳ پارامتر (باورها، اخلاق، و احکام) مورد سنجش قرار داده است. نتایج تحقیق نشان می‌دهد که پابندی دینی افراد در حد زیاد می‌باشد (۴/۰۱۱ از ۵) (مهدوی، ۱۳۷۸: ۱۰۱-۶۳).

۲- جایگاه دین در نظام ارزشی جوانان

جامعه آماری: دانشجویان دانشگاه شهید بهشتی

نمونه آماری: ۲۰۹ نفر

سال: ۱۳۷۶

نتایج: محقق با استفاده از نظریه‌های گرایش و نظام ارزشی به مطالعه جایگاه دین در نظام ارزشی جوانان پرداخته است. نتایج تحقیق نشان می‌دهد که رضایت از روحانیت، بیشترین تأثیر را بر گرایش جوانان به دین داشته است (همبستگی = ۰/۶۵۸)، دارا بودن روحیه آمادگی برای جنگ، گروه مرجع، رضایت از مسئولین، و میزان مشورت در خانواده نیز از جمله عوامل تبیین‌کننده گرایش جوانان به دین بوده است؛ مدت زمان فراغت و سواد مادران تضعیف‌کننده گرایش به دین بوده‌اند (ندیمی، ۱۳۷۷).

۳- سنجش گرایش دینی دانشجویان

جامعه آماری: دانشجویان دانشگاه تبریز

نمونه آماری: ۳۲۵ نفر

سال: ۱۳۷۷

نتایج: محقق با استفاده از نظریه‌های یادگیری اجتماعی و نظریه‌های گرایش به ارائه فرضیه‌ها مبادرت کرده است. نتایج تحقیق نشان می‌دهد که زنان بیشتر از مردان در مذهب فعالند، آمادگی رفتاری گرایش دینی در زنان بیشتر از مردان است. بعد اعتقادی گرایش دینی برای متأهل‌ها بیشتر از مجردهاست. همچنین متغیرهای مذهبی بودن دوستان، هم‌اتاقی‌ها، و ارزیابی از اطلاعات منابع دینی با بعد اعتقادی گرایش دینی رابطه معنی‌داری دارد (علیخواه، ۱۳۸۳: ۴۴۷).

۴- تحلیل جامعه‌شناختی وضعیت دینداری جوانان

جامعه آماری: دانشجویان دانشگاه تهران

نمونه آماری: ۲۴۳ نفر

سال تحصیلی: ۷۹-۸۰

نتایج: محققان با استفاده از نظریات برگر، و با رویکرد بی‌شکلی دین‌ورزی اقدام به سنجش دینداری افراد با استفاده از شاخص دینداری ۵ بعدی گلاک و استارک کرده، و به این نتیجه رسیده‌اند که دینداری دانشجویان از حد متوسط بالاتر است (۵/۶۸ در طیف ۰-۸). (آزاد ارمکی و غیاثوند، ۱۳۸۱).

۵- بررسی رابطه پایگاه اقتصادی- اجتماعی جوانان با نوگرایی دینی

جامعه آماری: دانش‌آموزان پایه سوم دبیرستان‌های دولتی شهر تهران

نمونه آماری: ۳۰۰ نفر

سال: ۱۳۸۱

نتایج: محقق رابطه نوگرایی دینی (کثرت‌گرایی دینی، انتخاب‌گری، گرایش به انجام مناسک به صورت فردی، و دید دنیوی داشتن به دین) را با پایگاه دینی افراد سنجیده است. نتایج تحقیق نشان داده است که بین جنسیت دانش‌آموزان، شغل پدر، شغل مادر، و نوگرایی دینی رابطه معنی‌داری وجود ندارد. اما بین عقاید و عواطف دینی دانش‌آموزان، رشته تحصیلی دانش‌آموزان، پایگاه اقتصادی- اجتماعی دانش‌آموزان، منطقه و محل سکونت دانش‌آموزان، میزان تحصیلات پدر، میزان تحصیلات مادر، میزان انجام فعالیت‌های دینی توسط والدین، و نوگرایی دینی رابطه معنی‌داری وجود دارد (بیابانی، ۱۳۸۱).

۶- مطالعه میزان و انواع دینداری دانشجویان

جامعه آماری: دانشجویان دانشگاه‌های شهر تهران

نمونه آماری: ۴۱۵ نفر

سال: ۱۳۸۲

نتایج: محقق با استفاده از رهیافت نظری "برگر و لاکمن" در حوزه شناخت، کوشیده است ۱۲ نوع دینداری را مورد بررسی قرار دهد. نتایج حاصل از این تحقیق چنین است: متغیرهای "تعلق به نظام سیاسی" و "مراجعه به مراکز مذهبی" بیشترین رابطه معنادار مثبت را با تمام انواع دینداری دارند؛ میزان ارتباط با رسانه‌های جهانی با دینداری‌های مبتنی بر ابعاد اصلی دین رابطه منفی دارد؛ میزان حضور در دانشگاه تنها با "دینداری با واسطه (و میزان پیروی از روحانیت)" رابطه منفی دارد؛ در بین متغیرهای فردی، جنسیت نشان‌دهنده تفاوت معنادار دینداری زنان، و بالاتر بودن میزان دینداری آنان، نسبت به مردان است؛ و میزان تحصیلات والدین هم در مواردی رابطه معنی‌دار با برخی از انواع دینداری دارد (میرسنده‌سی، ۱۳۸۳).

تحقیقات دیگری نیز در این زمینه صورت گرفته که نتایج مشابهی دارند (برای مثال، م.ش. ملکی، ۱۳۷۵؛ سراجزاده، ۱۳۷۷؛ محمودی، ۱۳۷۸؛ عبدی و گودرزی، ۱۳۷۸؛ طالبان، ۱۳۸۲).

۲-۲. چارچوب نظری

۲-۲-۱. سکولاریزاسیون

نخستین نظریه‌ای که در مطالعات مربوط به جامعه‌شناسی دین جلب توجه می‌کند (اگر بتوان نام نظریه بر آن نهاد) نظریه سکولاریزاسیون است. سکولاریزاسیون فرآیندی است که طی آن باور به سرچشمه‌های دینی و مشروعیت دینی قواعد اجتماعی تضعیف می‌شود (رجب‌زاده و کوثری، ۱۳۸۲: ۳۳۳).

با صنعتی شدن جوامع و رشد علم، و تغییر سبک زندگی، اندیشه افراد نیز هم‌زمان با این تغییرات تحول یافت. در حوزه دینداری نیز اتفاقاتی افتاد که برخی، این تحولات فکری را بازتاب تحولات بیرونی پنداشتند و آنرا پدیده‌ای تاریخی فرض کرده و نام سکولاریزاسیون (عرفی‌شدن، دنیوی‌شدن، جدایی دین و دنیا، علمانیت و ...) بر آن نهادند. رشد علم و تکنولوژی باعث شد که فیلسوفان اجتماعی و اولین دانشمندان علوم اجتماعی پیش‌بینی کنند که دین سازمان‌یافته (organized religion) چهار هزار ساله بشریت رو به زوال است (Hout and Wilde, 2004, 7). از آن زمان تا به حال، مباحث بسیار زیادی حول همین مسئله صورت گرفته و نظرات گوناگونی در مورد آن ابراز شده است.

گورسکی (Gorski) معتقد است که نباید به جای پارادایم سکولاریزاسیون که شامل استنباط‌های گوناگونی از چیستی سکولاریزاسیون است، صحبت از نظریه سکولاریزاسیون به میان آورد (Petterson, ? : 2).

در بحث سکولاریزاسیون، برخی به مرگ دین در جامعه مدرن اعتقاد دارند؛ به این معنا که دین به یک سرگرمی در جامعه تنزل پیدا کرده است. رویکرد دیگری نیز وجود دارد که طرفداران آن معتقدند دین در حال دگرگونی است اما در حال ناپدید شدن نیست (وریج کاظمی، ۱۳۸۲: ۲۴۶).

این پارادایم، طرفداران پر و پا قرص و مخالفان شدید بسیاری داشته است. در جامعه‌شناسی دین نیز، پارادایم قدیمی سکولاریزاسیون به چالش کشیده شده و دانشمندان معاصر بر این نظرند که دین، علی‌رغم ادعای پارادایم سکولاریزاسیون، در حال افول نیست (Yang, 2001: 270). اینگلهارت و بکر (Inglehart and

Baker) پس از مطالعه طولی و مقایسه‌ای خود، در بین بیشتر کشورهای دنیا، ابراز می‌کنند که «با وجود نظریه‌هایی از مارکس (Marx) تا نیچه (Nitche) و لرنر (Lerner) تا بل (Bell) که افول دین را متعاقب مدرنیزاسیون پیش‌بینی کرده بودند، دین و باورهای اخلاقی هنوز کم‌رنگ‌تر نشده‌اند» (Inglehart and

Baker, 2000: 19). هاوت و وایلد (Hout and Wilde) معتقدند که سکولاریزاسیون، به مثابه نظریه‌ای

در باب اعتقاد و رفتار، شکست خورده است (Hout and Wilde, 2004, 9). استارک و فین (Stark

and Fink) در یک موضعگیری مخالف‌آمیز در برابر سکولاریزاسیون، بر این نظرند که «زمان آن فرا رسیده که دکترین سکولاریزاسیون به گورستان نظریه‌های شکست خورده برود» (Petterson, ? : 4).

گروهی از دانشمندان اجتماعی، پارادایم جدیدی را جایگزین پارادایم سکولاریزاسیون کرده‌اند، این پارادایم رفتار دینی را به مثابه یک انتخاب در نظر می‌گیرد، و در شکل عام‌اش بر این نظر است که مردم، در تقابل با دین، جایگزین‌هایی را انتخاب می‌کنند که آنان را بیشتر خوشحال می‌کند (Hout and Wilde, 2004, 11).

اما، با وجود همه این مخالفتها، بحث در مورد سکولاریزاسیون هنوز هم ادامه دارد، و طرفداران سکولاریزاسیون، با تقسیم‌بندی آن به انواع مختلف سعی بر تصحیح کلی‌گویی‌های گذشته دارند. بعضی از آنان بر این باورند که انواع متفاوت سکولاریزاسیون در سطوح مختلف جامعه وجود دارد که ممکن است با همدیگر همراهی نداشته باشند (Demeath, 2004: 213)؛ مثلاً ممکن است یک جامعه در سطح فردی و شخصی سکولار باشد ولی در سطح کلان سکولار نباشد و یا برعکس. از نظر کارل دابلر سکولاریزاسیون سه بعد دارد:

- بعد جامعه: به فرآیند سکولاریزاسیون در سطح کلان توجه دارد، فرآیندی که به تفکیک ساختاری و عملکردی نهادها و مؤسسه‌ها مربوط می‌شود.

- درون دین: به تغییر و تحول ایجاد شده در عوالم دینی، به‌ویژه تمایل آنان به دنیوی شدن مربوط می‌شود.

- بعد فردی: به تضمین و التزام دینی شخصی مربوط به رفتارهای فردی مربوط می‌شود و میزان همبستگی افراد با گروه‌های دینی را نشان می‌دهد (وریج کاظمی، ۱۳۸۲: ۸-۳۴۷).

سکولاریزاسیون در بعد فردی، در حقیقت، به معنای کاهش پایبندی دینی افراد است.

۲-۲-۲. عوامل جمعیتی و دین

۲-۲-۲-۱. جنسیت

جنسیت، طی چند دهه اخیر، از موضوعات بحث‌انگیز در مطالعات علمی - اجتماعی دین بوده است. مدت‌های مدیدی در جامعه‌شناسی چنین فرض می‌شد که تفاوت‌های جنسیتی در میزان دینداری، محصول جامعه‌پذیری متفاوت است.

بحث سنتی درباره دین، جنسیت و جامعه‌پذیری، این است که

- زنان برای تربیت شدن (nurturing) و تحت سلطه‌بودن (submissive) پرورش می‌یابند و این امر، احتمال قبول و پایبندی دینی و اطاعت از دین را افزایش می‌دهد.

- زنان دینی‌تر از مردان هستند چون آنان در بیرون از خانه کار نمی‌کنند و، بنابراین، زمان زیادی برای پیگیری علایق دینی‌شان دارند.

اخیراً، میلر و هوفمن (Miller and Hoffmann) صورت مسئله را تغییر دادند. آنان به جای اینکه بپرسند چرا زنان دینی‌تر از مردان هستند، این سؤال را مطرح کردند که چرا مردان نسبت به زنان کمتر دینی هستند؟ این امر آنان را به تأکید بر مردان، به جای زنان، رهنمون شد. به نظر آنان، با این فرض که غیردینی بودن (irreligiousness) یک نوع رفتار مخاطره‌آمیز (risky behavior) است، تفاوت‌های جنسیتی در دینداری و بی‌دینی، که خطر مجازات خدا را به همراه دارد، مربوط به تفاوت در مخاطره کردن (risk performances) است. شکست در سازگاری با باورها و اعمال دینی، یا ارتکاب "گناه" باعث نتایج جدی می‌شود، مثل رفتن به "جهنم". بنابراین، کسی که وظایف دینی‌اش را ترک می‌کند، یا در قبول آنان درنگ می‌نماید، یک رفتار مخاطره انجام می‌دهد.